مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ۲۵ | پنج شنبه ۱۱ جدی ۱۳۸۲ | ۹ ذوالقعده ۱٤۲٤ - | 1 January 2004

سرمقاله

نظام ریاستی تحمیل یا انتخاب؟

ص۲

مداخله در همه اشکال آن محکوم است

ص۲

در هژدهمین روز لویه جرگهٔ قانون اساسی

- نمایندگان معترض به تعدیل ۱٦ مورد تا هنوز پافشاری دارند
- تنش در لویه جرگه فروکش نکرده است
- از هر ولایت ۳ نفر به کمیتهء تفاهم معرفی شود
- تبعیض قومی و لسانی باید از قانون حذف گردد





با آن که در پایان روز هفدهم توسط جناب حضرت مجددی رئیس لویه جرگه قرار گذاشته شده بود که در هژدهمین روز این نشست، رأی گیری بدون تشنج صورت گیرد و نتایج کار کمیته، تفاهم به رسمیت شناخته شود، اما گزارش های دریافتی از محل لویه جرگه می رساند که تنش حاکم بر فضای لویه جرگه فروکش نکرده است.

امروز قرار گذاشته شد که از هر ولایت دو نفر به عضویت کمیتهء تفاهم انتخاب شوند. گفته می شود که تعداد اعضای کمیتهء تفاهم به یکصد عضو رسیده است و نخستین جلسهء آنان در پیش از ظهر هژدهمین روز لویه جرگه، بی نتیجه پایان یافت و بعد از صرف طعام و ادای نماز، نشست دیگر آنان برگذار شده نتوانست.

یک منبع آگاه گفت که در نخستین جلسهء کمیتهء تفاهم هنگامی که بحث روی برخی مواد قانون اساسی آغاز گردید، برخی مسائل جنجال برانگیز نیز مطرح شد. در این جمله از ملی شدن زبان پشتو، رسمیت یافتن زبان ازبکی، ملی شدن ص۳

اسوشیتد پرس- استفن گراهام- ۲۳ دسمبر:

دیکتاتوری در افغانستان منتقدان را نگران کرده است

عبدالحفیظ منصور پر هیاهو ترین صدای منتقد در افغانستان، گفته است که نظام ریاستی مطلقه برای مهار قدرتمندان محلی، می تواند به دیکتاتوری منتهی گردد.

برخی مقامات افغانی و امریکایی ابراز امیدواری کرده اند که لویه جرگه مسوده را بدون تغییرات بزرگ تصویب کند. اما چنه زنی قوی در پشت پرده به منظور ساکت کردن شکایات در بین اقوام دیگر، ناکام مانده است.

حفیظ منصور یک نمایندهٔ نزدیک به جبههء متحد، به روز سه شنبه خواست خود مبنی بر پارلمان قوی جهت پاسخگو ساختن رئیس جمهور، را تجدید کرده، گفت که ما یک دیکتاتور را باقدرت بی حد و حصر نمی خواهیم. اگر جامعه بین المللی ساکت بماند، دموکراسی در افغانستان می میرد.

یک رهبر دیگر جبههء متحد، جنرال عبدالرشید دوستم همچنین در حالی که خواستار رسمیت یافتن زبان ازبکی گردیده است، ندای یک سیستم پارلمانی را سر داده است.

مقامات گفته اند که آنها خواهان رسیدن به یک تفاهم بالای متن نهایی مسوده هستند، اما همچنین گفته اند که یک اکثریت ساده هم برای تصویب آن کافی است.



با وجود آن که منصور خواهان تفاهم شده است، اما پافشاری کرده است که هر چیزی کمتر از ۹۰ فیصد باعث تفرقه ملی خواهد شد. او می گوید که یک قانون اساسی نمی تواند بر اساس اقلیت واکثریت تصویب گردد. باید گفتگو ها ادامه داشته باشد و تفاهم ملی باید در جهت رسیدن به تصویب قانون اساسی معیار قرار گیرد.

حامد کرزی:

فقط نظام ریاستی!

آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان صبح دیروز در صحبتی با خبرنگاران، نتایج به دست آمده از لویه جرگه، تصویب قانون اساسی را تا هنوز مثبت ارزیابی نمود و گفت که امیدوار است به زودی کار تصویب قانون اساسی به پایان برسد.

با آن که پیش از این به وسیلهء برخی منابع گزارش شده بود که تقریباً ۸۰ درصد از نمایندگان برمسالهء تحریف در کار کمیتهء تفاهم و طرزالعمل جدید در لویه جرگه اعتراض نموده اند؛ اما رئیس دولت با اشاره به آن وقایع گفت که فقط تعداد معدودی از نمایندگان می خواهند تا فضای لویه جرگه را اخلال کنند.

با آن که نمایندگان مردم حق دارند در هر موردی آزادانه تصمیم اتخاذ نمایند، اما رئیس دولت گفت که هر گونه تعدیل در نوع نظام قابل پذیرش نیست. آقای کرزی افزود که منافع کشور در ایجاد سیستم ریاستی نهفته است.

به هر حال، صحبت اخیر آقای حامد کرزی می تواند به مثابهء جدی گرفتن وقایع دو روز اخیر لویه جرگه تلقی شده و هشدار برای آنانی به حساب آید که از پارلمان قدرتمند و تحدید صلاحیت های رئیس جمهور دفاع می کنند.

پرسش اساسی این است که آیا این گونه موضعگیری رئیس دولت، می تواند به تنش و بحران در لویه جرگه پایان ببخشد یا خیر؟

دسپتمبر پېښې افغانستان دامریکا پر سیاسي او پوځي محور بدل کړ

دسکاتلند په سانتاندار یوي نومي پوهنتون کي دنړیوالو اړیکو استاد ډاکتر داود مرادیان له بي بي سي سره یو خانګړي مرکه کړې چې ځیني غټ ټکي ئې اوریدونکیو ته وړاندي کوو:

دي وائي: دتیرو دریو پیړیو په بهیر کي دقدرت په یوه ستر مرکز دامریکا بدلیدل دتعجب وړ خبره ده. اوس امریکا له پوځي پلوه په څه دپاسه اتیاوو هیوادو کي پوځي اډې لري او ددغه هیواد دګټو ساتونکي دي له اقتصادي پلوه ئې یوازي دغوښي عایدات په کال کي یو سلو دیرشو ملیاردو ډالروته رسیږي. دریم مخ

آیا نمایندگان مورد تهدید قرار گرفته اند؟

مصؤونیت نمایندگان باید رعایت شود

دو روز پیش شایعه یی مبنی بر تصمیم به توقیف شش نفر از نمایندگان مردم پخش گردید. در این میان از شیر علم بهادر، دکتر محی الدین مهدی، عبدالمنیر دانش، عبدالشکور واقف حکیمی و عبدالحفیظ منصور نمایندگان شهر کابل و شیر پادشاه قیام نمایندهء ولسوالی کلکان نام برده می شد.

این شایعه در حالی پخش می گردد که روز پیشتر، یکی از وزرای کابینه، واقف حکیمی را از سخنرانی در لویه جرگه ص۴



عبدالشکور واقف حکیمی

عکس از سایت بی بی سی

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل– چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

نظام ریاستی تحمیل یا انتخاب؟

جریان مباحثات وگفت وشنودهای چند روز اخیر در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی میان نمایندگان مردم در پیرامون مواد مهم قانون اساسی از جمله نوعیت نظام و... مردم را به این باور کرده بود که شاید ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان جناب کرزی راه حلی میانه را در اختیار نمایندگان بگذارد.

ولی مصاحبهء یک روز قبل آقای کرزی این همه امیدهای پاگرفته در دل های آحاد ملت را به نومیدی عوض کرد.

آقای کرزی در این مصاحبهء خود قاطعانه گفت: «هرگونه تعدیل در نوع نظام قابل پذیرش نیست» ومنطق آن را هم در این عبارت خلاصه کرده وگفت: «زیرا منافع کشور در ایجاد نظام ریاستی است»

اکنون همه از خود می پرسند: اگر این مطلب بلاشبه به حیث یک وحی منزل نزد آقای کرزی ثابت است، پس این همه مصارف به حساب این ملت گرسنه وبیمار بربنیاد چه منطقی قابل تحمل است؟

آیا این گونه برخورد خود محورانه - آن هم از طرف کسی که لویه جرگه به فرمان آن برگزار شده است- فلسفهء وجودی لویه جرگه را زیر سوال نمی برد؟ اگر این اظهارات محترم آقای کرزی چون وحی منزل به خوانش گرفته نمی شود چرا نمایندگان منتخب مردم این حق را نداشته باشند بپرسند که چرا تنها نظام ریاستی و نه نظام دیگر؟

چرا منافع کشور در ایجاد چنین نظام است ونه نظام دیگر؟

لویه جرگه بنا به فلسفهء وجودی خود این حق را دارد که به نمایندگی از مردم خود نوعیت نظام را تعیین نماید.

اگر چنین حقی از لویه جرگه گرفته می شود از همین حالا باید گفت که ارادهء فرد برارادهء ملت تحمیل شده است.

در غیر آن این حق را مردم دارند که بگویند تدویر این همه مجالس وجرگه ها جز این که یک حرکت نمایشی برای مشروعیت بخشیدن به نظام مطلق العنان مورد نظر تدویر کنندگان این لویه جرگه چیزی دیگر نخواهد بود. واین کار جز بازی به ریش بابا تعبیری دیگر نمی تواند داشته باشد.

وبازهم باید گفت:

اگر فرد حاکم بود در وطن
همه بردگان اند در یک سخن
اگر رهبر ما بود یک نظام
همه رهبرانیم در یک کلام

مداخله در همه اشکال آن محکوم است

احمد فهیم

مداخله ومداخله گری در کارهای مربوط به زندگی وسرنوشت آزاد ملت ها، امری است نکوهیده وناپسندیده که نمونه هایی از آن را می توان در آثار به جا مانده از شخصیت های علمی وادبی به وفرت دید وخواند.

اما بازتاب وتبلور این پدیده در فرهنگ سیاسی آن چنان گسترده وچشمگیر است که ملت ها ومجموعه های سیاسی، زندگی روزمرهٔ خود را در عرصه های مختلف در دوری از وی ونزدیکی به آن به داوری می گیرند، هرجا که در راه تحقق ارادهٔ جمعی خویش به مانع وسدی روبه رو شوند، در ریشه یابی آن می پردازند تا باشناخت از ماهیت آن موضعگیری مناسب به آن را تبلور دهند. از همین جاست که فرهنگ مداخله ستیزی درمیان ملت مجاهد ومداخله ستیزما چنان گستردگی و وسعت دارد که ریشه زنی آن ریشه زنی تاریخ این ملت است.

مردم ما بربنیاد چنین فرهنگی و در روشنایی همچو یک باور ژرف، پایا وپویا در دوره ها مختلف تاریخ سیاسی خویش در برابر هر نبردی مداخله گرانه در هرشکلی که بوده است، قربانی دادند وحماسه ها آفریدند.

قیام های این ملت مداخله ستیز در برابر مهاجمان توسعه جو وزمین گیری چون اسکندر وچنگیز وخیزش های جهادی شور آفرین این ملت سرفراز در برابر امپراتوری استعماری انگلیس در قرن نوزدهم ورستاخیز عظیم این ملت در برابر ارتش تادندان مسلح شوروی سابق وامپراتوری داس وچکش، همه وهمه گویای این مطلب است که مداخله پذیری در فرهنگ این ملت وراستین فرزندان آن، جای پایی ندارد وهر نیروی مداخله گری در این سرزمین مردخیز با از دست دادن سر وجان زبونانه برگشته است.

آری! این فرهنگ مداخله ستیزی همان گونه که نقش اساسی وپایه یی را در رویا رویی بانیروهای مداخله گر بیرونی قاطعانه بازی نموده است، در برابر هرگونه بازی های مداخله جویانهٔ داخلی نیز نقش بایسته یی ایفا نموده است.

موضعگیری غیورانهٔ ملت ما در این روزهای برپایی لویه جرگهٔ قانون اساسی در برابر مداخلات آشکار وعریان دولت در نحوهٔ تصمیم گیری لویه جرگه بیانگر این واقعیت می باشد که مداخله گران در هرچهره یی که هستند، نمی توانند برای خود درمیان این ملت آبروی به دست آرند وهمه تلاش های ارعابی وتطمیعی آنان در تحریف اذهان ملت وتوجیه اغراض واهداف خود بیش از آن که آب در هاون کوبیدن باشد، چیزی دیگر نیست.

موضعگیری اخیر نمایندگان ملت در برابر توطئه های طراحی شده برای تحمیل ارادهٔ خود بر ارادهٔ ملت ودر حاشیه قرار دادن نقش مردم یک بار دیگر مفهوم همان ضرب المثل را به نمایش گذاشت که: «بارکج به منزل نمی رسد».

آن هایی که خواستند با استفاده از قدرت حکومتی خویش وبامداخله در امر تصمیم گیری ملت از عکس العمل نمایندگان ملت این درس را گرفته باشند، ملت ما مداخله در همه اشکال آن را محکوم می کند ومداخله گران در هر چهره یی هستند یک سرنوشت دارند.

خلای خنده آور غرفه های رأی دهی در تالار لویه جرگه وبرگشت قهر آمیز وکلا از میدان های رأی ضربه یی خورد کننده بود که برهمه کار گردانان توطئهٔ تحمیل ارادهٔ اقتدار گرایانهٔ گروهی بر ارادهٔ ملت.

نمایندگان مردم هم به یقین از این امر آگاهی کامل دارند که وحدت صف وموضعگیری متحدانه در قضایای گره خورده با سرنوشت ملت یگانه ضامن پیروزی در امروز وفردای آنان است وهمین وحدت صف وموضعگیری متحدانه است که هرگونه مداخله وتصامیم مغرضانه را بی اثر می کند.

سخن حق ومواضع حق مدارانه بسان درخت تنومندی است در ژرفاهای زمین ریشه دوانیده وشاخه های آن سربه آسمان می زنند ومیوه های آن به فرمان پروردگان در اختیار همه قرار می گیرد.

اگر ریگی به کفش خود نداری

سبب پس چیست تأکید بر ریاست؟

کیومرث

گفتند: امروز عصر دموکراسی وآزادی است، باید در افغانستان اصل دموکراسی تطبیق شود گفتیم بسیار خوب، اصل برابری و دموکراسی برای همه پذیرفتنی است، با آن که می دانیم امروز این ارزش، جانشین استعمار گردیده، وامپریالیزم حقوق بشر، برهمه جوامع بیداد می کند. چه به نام دموکراسی، شهرها ویران، ملت ها برده وکشورها اشغال می گردند. دیگر می شود صمیمانه پذیرفت که دموکراسی یعنی استعمار.

ولی باهمه این نکات، پذیرفتیم در کشور ما دموکراسی باشد. لویه جرگه دایر گردید وقرار است روی نظام حکومتی در افغانستان تصمیم بگیرد. گفته می شود دونوع نظام در غرب و در دنیای گویا دموکراسی پذیرفتنی وموجه است وآن عبارت است از نظام ریاستی ونظام پارلمانی.

مردم افغانستان که در طی دودهه تجاوز، بافرار زمامداران وتخت نشینان، خود سرنوشت خود را به دوش گرفته اند، وبا جان وخون خویش از سرزمین خود دفاع نموده اند، و در هر مورد وهر رویدادی ناگزیرتند غرض دارباشند، همه جمع شده اند وتصمیم دارند، نظام دلخواه خود را انتخاب کنند به خصوص که آرزو دارند، با ختم جنگ اکنون بگونه یی مسالمت آمیز در عرصهٔ فرهنگ واجتماع، از طریق یک پارلمان مستقل، حضور مشخص داشته باشند.

از این رو اکثریت نمایندگان می خواهند در کشور نظام پارلمانی حاکم گردد. ولی دیده می شود که مهمانان خارجی واریکه داران قدرت دو پا را به یک موزه کرده اند که نه نظام باید ریاستی باشد. چرا؟

آخر شما طرفدار دموکراسی هستید هر دو نوع نظام مبتنی بردموکراسی است ومردم نظام پارلمانی می خواهند مخالفت برای چه؟ باید گفت که این مدعیان دمکراسی با همین اقدام خود در گام اول مخالف آنچه عنوان می کنند، عمل کرده اند.

وقتی آقای کرزی می گوید: من در نظام پارلمانی کاندیدا نیستم به طور مطلق مداخله ویک نوع تهدید است واز مردم می خواهد که جبراً به نظام دلخواه او رأی بدهند. انگیزهٔ قدرتمندان ومهمانان خارجی را نمی دانم، شاید، خود بهتر بدانند. اما آنچه حدس وگمان ها را مبنی بر سوء نیت دامن می زند، همانا تجربهٔ نظام های ریاستی در جهان است.

در ترکمنستان رئیس جمهور نظام ریاستی، خود را حکمروای مادام العمر ساخت. در ازبکستان برای همیشه رئیس جمهور باقی خواهد بود، در سوریه با مرگ رئیس جمهور نظام ریاستی میراث به فرزندش رسید واین ها نشان می دهد که در چنین نظامی رئیس جمهور مختار کل است واز طریق یک پارلمان ضعیف آنچه را می خواهد انجام می دهد وکسی مانع او نیست وشاید درافغانستان تأکید برای نظام ریاستی نیزاز این نیت ناسالم منشأ می گیرد که بیگانه ها وقدرتمندان متکی به آن ها، می خواهند مجاهدان ومبارزان را بااستفاده از قدرت بی حد وحصر خود از صحنه کاملاً محو کنند وآزاد گران جامعه وملت را به جرم آزادی خواهی به محاکمه برند واز سهم گیری در نظام آیندهٔ کشور محروم سازند.

گویا می خواهند صاحب مال را از مال خودش محروم کنند، این ها سوء نیت دارند وبه اساس آن تلاش می کنند تانظامی درست شود که هیچ یک از نیروهای آزادی بخش جهاد ومقاومت در صحنهٔ سیاسی ومبارزاتی جامعه حضور فعال نداشته باشند، تا در راه تطبیق برنامه های اجنبی مزاحمتی و دردسری ایجاد نگردد.

از این جاست که می گوییم تأکید برنظام پارلمانی، انسانی ترین ودموکراتیک ترین خواستی است که می تواند مطرح شود وبا این طرح، همه نیروهای نظامی وسیاسی، در فردای کشور و در تصمیم گیری ها از طریق پارلمان حضور خواهند داشت وجلو خود سری وتاخت وتاز بیرونی ها هم گرفته خواهد شد.

بناءً سرنوشت کشور با تصمیم آزادانه واسلام پسندانه وکلای مردم پیوند خورده است وما یقین داریم که نمایندگان ملت با انتخاب نظام پارلمانی، پاسداری وحراست از همه ارزش ها اسلامی وملی را، در سرخط اهداف علیای خود قرار داده اند وبه این هدف موفق خواهند شد.

کوه نوری

با تصویب های آنی، راه آینده را نبندیم

بدون تردید پیشرفت کشور وحرکت به سوی ترقی و آباداتی، بدون داشتن یک برنامهٔ دقیق ومطابق با معیارها و واقعیت های موجود در جامعه امکان پذیر نیست این ضرورت را هم دولت مردان حاضر در صحنهٔ سیاست کشور وهم جامعهٔ بین المللی درک نمودند که در نتیجه، پروسهٔ تسوید و تصویب قانون اساسی را روی دست گرفتند. هم اکنون لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی با حضور ۵۰۲ نفر نمایندگان به ظاهر انتخابی و بعضاً انتصابی، در جریان است که در زمینه تأملاتی چند، لازم به ذکر می نماید:

۱-هرچند اشخاص محترم حاضر در لویه جرگه به نحوی به عنوان نمایندگان مردم یاد می شوند و رضایت مردم از حضور آنان در لویه جرگه مشروعیت آنان را تقویت می نماید ولی واقعیت چیزی غیر از این است؛ زیرا عدم آشنایی مردم باشیوهٔ انتخابات دموکراتیک واعمال نفوذ برخی قدرتمندان محلی واقعیت نمایندگی اکثریت آنان از مردم را در هاله یی از تردید فرو می برد.

۲-از اصل مشروعیت و واقعیت وکالت که بگذریم سوگمندانه باید گفت که برخی نمایندگان مذکور از صلاحیت علمی و تخصصی برای ابراز نظر در مورد قانون اساسی که بر گرفته از حقوق اساسی یک ملت است، برخوردار نمی باشند.

اصولاً سیستم انتخابات نمایندگان برای لویه جرگهٔ قانون اساسی به نحوی ترتیب وتنظیم شده بود که بیشتر حضور تعدادی از مردم مد نظر قرار می گیرد نه حضور افراد متخصص و آشنا با معیار ها و اصول قانون گذاری. به عبارت واضح تر دولت در این مسأله بیشتر به دنبال سیاهی لشکر بوده تا افراد کار آمدو کار آشنا.

و این به کار آمدی به نحوی تبارز کرده است که قسمت اعظم وقت لویه جرگه که هر روز مصارف گزافی را بر ملت تحمیل می کند، بر قصه گویی نمایندگان و رجز خوانی برخی وزرا کابینه می گذرد.

۳-تعدادی از نمایندگان نسبت نداشتن پایگاه واقعی اجتماعی، تخصصی و علمی به روحیهٔ تزلزل و عدم ثبات فکری ومواضع سیاسی دچار اند که این امر مطلوبیت آنان را درامر خطیر تصویب قانون اساسی زیر سوال می برد.

۴-شرایط خاص فعلی کشور توجه جامعهٔ جهانی واغراض برخی کشورهای خاص را به خود معطوف داشته است که طبعاً لویه جرگهٔ قانون اساسی هم از آن بی تأثیر نبوده و به نحوی از دخالت های مشفقانه واحیاناً مغرضانهٔ برخی اشخاص وحلقات داخلی و خارجی رنج می برد و ضرورت حکومت پارلمانی یکی از مواردی است که طبق قرائن موجود، دستخوش حوادث مرموز است.

مخالفان حکومت ونظام پارلمانی در حالی بر نظام ریاستی تأکید می کنند که همواره از آزادی بیان و آزادی احزاب سیاسی دم می زنند و بر طبل آن می کوبند. پارلمان ناظر برکار دولت وتبیین کنندهٔ روح جمعی جامعه از مظاهر اساسی قدرت وارادهٔ احزاب مردمی وسیاسی است. آیا می شود از آزادی ارادهٔ جمعی واحزاب مستقل دم زد ولی میادین مبارزهٔ آن را نادیده گرفت؟

نمایندگان مردم و آحاد ملت ما نیک می دانند که نظارت ملت از دولت و کنترول قدرت حاکم از سوی مردم توسط یک پارلمان قوی و صادق جزء حقوق اساسی ویکی از پایه های بنیادین دموکراسی است. بدیهی است که نفی این حق مسلم و ترجیح مصالح فردی و مقطعی حاکمیت فعلی بر حقوق اساسی ملتی که در طول تاریخ به حقوق شان توجهی نشده است، ظلم تاریخی دیگر است.

۵-لویه جرگهٔ فعلی در شرایط گذار از بحران به سوی ثبات برگزار می شود، شرایط گذار وانتقال بر روح وروان لویه جرگه حاکم است و طبعاً قانونی که در این جرگه و این فضا و با این روحیه تصویب می شود از این قضیه بی تأثیر نخواهد بود.

نتیجه:

با توجه به مطالب بالا که هر یک ازواقعیت های مسلم و ثابت لویه جرگه است، به این نتیجه می رسیم که قانون مصوبه در این جلسه قابلیت تأمین سعادت اقشار مختلف جامعه را به طور صد در صد نخواهد داشت هرچند کشور را از حالت بی سرنوشتی و نداشتن یک دستور العمل کاری برای دولت مردان وسایر نهادهای موجود در جامعه، خارج می سازد و راه را برای حرکت به سوی تعالی و ترقی باز می سازد.

اساسیت تأملات فوق ایجاب می کند تا نمایندگان حاضر در لویه جرگه دو امر مهم را هنگام غور وبررسی یکصد وشصت مادهٔ قانون اساسی مد نظر قرار دهند:

۱-تدویر لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی در شرایط گذار و انتقال ایجاب می کند که هیچ اصلی از اصول قانون اساسی به عنوان اصل ثابت وغیر قابل تغییر تصویب نشود، تصویب چنین اصولی نه با ذات این لویه جرگه سازگار است و نه حقی از حقوق اساسی ملت را بر آورده می سازد بلکه برعکس با توجه به دخالت های مصرانه وآشکار برخی از اشخاص وحلقات ذی نفوذ، منافع ومطامع سیاسی آنان را برای همیشه تأمین وتضمین خواهد ساخت. و در نتیجه نسل های آینده را از حق مسلم آزادی واصلاح طلبی شان محروم می سازد.

۲-سیستمی برای تجدید نظر واصلاحات قانون اساسی در آینده پیش بینی شود. اگر زمانی معین وشرایطی مشخص در این مورد مد نظر قرار گیرد، بهتر خواهد شد.

بدین ترتیب از یک طرف زحمات افراد حاضر در لویه جرگهٔ فعلی در راستای تهیه و تصویب یک وثیقهٔ ملی که حقوق ووجایب عموم شهروندان واتباع کشور را ضمانت می کند، به ثمر می نشیند واز جانب دیگر راه را برای تکمیل نقایص احتمالی واصلاحات برخی موارد منفی، برای آیندگان باز می ماند.

در هژدهمین روز لویه جرگهٔ...

زبان دری، متن قابل قبول سرود ملی، تبدیلی نام افغانستان به آریانا و برخی موارد دیگر یاد شده است. گفته می شود که هر کدام از نمایندگان بر روی نظر خود پافشاری داشتند و از آن جا که نظریات آنان از هم دیگر بسیار فاصله داشت، جلسه‌ بعد از ظهر شورای تفاهم دایر شده نتوانست.

برخی از گزارش های دریافتی امکان مذاکرات پشت پرده را در بعد از ظهر رد نکرده اند.

در این میان گزارش شده است که جنرال عبدالرشید دوستم، وکلای شمال و وکلای جنوب غرب و برخی مناطق دیگر، نشستی مشترک داشتند و روی مسائل مطروحه بحث نمودند. با آن که در این نشست نیز رسمیت یافتن زبان ازبیکی مطرح گردید، اما نمایندگان گفتند که ما خواسته های بزرگتر ملی داریم که نباید نادیده گرفته شود.

گفته می شود که در این نشست احمد فرید میاگل نماینده‌ ولسوالی تگاب و جنرال عبدالرشید دوستم، طرح تشکیل یک شورای تفاهم را ارایه نمودند که در آن شورا از هر ملیت سه نفر عضویت خواهند داشت.

با این همه، نمایندگانی که به جناح مردمگرا در لویه جرگه شهرت یافته اند، تأکید دارند که ۱۶ ماده‌ مورد اختلاف باید به بحث همگانی گذاشته شود. آنان در نظریات خود، به رسمیت شناختن هویت اقوام افغانستان، تشکیل دیوان عالی قانون اساسی، طرح سرود ملی قابل قبول برای همه، انتخابی بودن والیان، عدم تابعیت دوگانه و همسر خارجی برای وزرا و افسران عالیرتبه، تشکیل پارلمان مؤقت، ترجیح دادن به اقتصاد مختلط، حفظ بیطرفی کشور، تعیین سیاست پولی به پیشنهاد بانک و تصویب پارلمان، استقلال قضا و برگزاری انتخابات در موعد معینه‌ آن مطابق به موافقتنامه‌ بن را مطرح ساخته اند.

گفته می شود که پیشنهادات مشخص این جناح به جناب حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگه سپرده شده است و در آن تذکر به عمل آمده که اگر مانعی در راه تدویر انتخابات همگانی به وجود آید، باید این انتخابات به موافقه‌ پارلمان مؤقت به تعویق انداخته شود نه به اساس صواب دید مقامات دولتی.

جناح مردمگرا همچنان پیشنهاد کرده اند هر مامور عالیرتبه‌ دولت که کاندیدای کرسی ریاست جمهوری می گردد، باید دو ماه پیش از تدویر انتخابات از وظیفه‌ خود استعفا بدهد تا در انتخابات، خطر سوء استفاده از قدرت دولتی منتفی گردد.

جناح مردمگرا می گوید که در پی منافع قومی، گروهی، سمتی و حزبی نیست و منافع ملی را ارج می گذارند. آنان می گویند که پیشنهادات نشان می دهد که ما منافع ملی را نسبت به هر چیز دیگر ترجیح می دهیم.

در همین حال صفیه صدیقی یکی از معاونان لویه جرگه در مصاحبه یی گفت که هیچ کس در نظریات کمیته‌ تفاهم مداخله نکرده است؛ این مقام توضیح نداد که تکلیف صحبت مستند دو روز پیش جناب حضرت صاحب چه خواهد شد؟

گفتنی است که رؤسای کمیته های ده گانه نیز موارد تحریف و دستکاری در نظریات کمیته ها را تائید کرده اند.

قرار بود رآی گیری در مورد تعدیل برخی از مواد مورد اختلاف قانون اساسی پس از شام آغاز شود، اما حضرت صبغت الله مجددی این کار را به گفتهٔ خودش نسبت عدم حضور وکلا در تالار لویه جرگه به فردا موکول کرد، در حالی که گزارش های مؤثق از تالار لویه جرگه می رساند که نمایندگان مردم همه در تالار حضور داشتند وجناب مجددی بنابر مصلحت هایی خاص وبرنامه های پشت پرده موضوع رآی گیری را به فردا موکول ساخت و از پیشنهاد و ابراز نظر برخی از وکلا نیز جلوگیری نمود.

دسپتمبر پیښې افغانستان دامریکا پر سیاسي او...

ډاکتر مرادیان زیاتوي: دسپتمبر یولسمي پیښې امریکا دې ته متوجې کړه چې خپل سیاسي او پوځي شتون په افغانستان کې تامین کړي. په تېرې کې داقتصادي او سیاسي شرائطو او بدلونونو په پام کې نیولو سره داوړاند وینه هم کیږي چې امریکا به لږ تر لږه تر لسو راتلونکیو کلونو پورې په افغانستان کې خپل پوځي شتون ته ادامه ورکړي او په دغه بهیر کې به امریکا دافغانستان دکورنیو او بهرنیو پالیسیو دجوړولو داصلي لوبغاړو څخه وي.

ډاکتر مرادیان له امریکا سره دافغانانو د اړیکو دساتلو دځرنګوالي په باب وائي: له امریکا سره دافغانانو سالمې اړیکې او معقوله تګه لاره لکه دجاپان، جرمني، اسرائیلو، جنوبي کوریا داړیکي په څیر کولاي شي چې افغانانو ته ډېر څه په لاس ورکړي.

په پاي کې ډاکتر مرادیان وائي: افغانان باید له امریکا سره د اړیکو دخرابیدو دمخ نیوي او له دغه هیواد څخه دزیاتي استفادې په مقصد لاندې دوه ټکي په پام کې ونیسي:

لمړی- امریکا یو پیچلی او دبېلا بیلو او متضادو قوتونو او سکتورونو لرونکی یو هیواد دی. دامریکا دښه والي اویا بد والي مطلقه انګیرنه به ناسم کاروي.

دوهم- افغانان باید دامریکا له دغي پیچلي سیاسي سیستم نه په خبریدو سره دامریکا په باب خپلو اطلاعاتو او معلوماتو ته وده ورکړو او د افغانستان سیاست باید دامریکا په وړاندې دامریکا پېژندنې پربنسټ ولاړ وي بلکه دا چې دهر هیواد ددوستي او دښمني پالیسي دهمغو هیوادونو دملي ګټو دخوندي ساتلو په مقصد جوړیږي. په دې کې شک نشته چې افغانستان په استراتیژیکه توګه دامریکا داهمیت وړ دی نو افغانستان باید هڅه وکړي چې دامریکا پانګه اچونه او امتیاز ورکول افغانستان ته له اهمیت څخه ډک او اندویز وي.

مجاهد

و آنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققا آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال دوم شماره ۲۵ پنج شنبه ۱۱ جدی ۱۳۸۲ ۹ ذوالقعده ۱۴۲٤ - 1 January 2004

توقع ملت از نمایندگان لویه جرگه

مردم افغانستا ن از نمایندگان لویه جرگه می طلبند که با کمال دقت وموشگافی مشکلات وخواسته های مردم را درعرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی وسیاسی بررسی کرده ودرقانون اساسی جدید مطمح نظر قرار دهند. سعادت ملی ومنافع علیای کشور رابالا تر از همه امتیازات و چوکی های دولتی بشمارند تا مبادا مردم در مقطع کنونی و آینده، تصامیم این جرگه را محکوم نمایند. شما نمایندگان ملت در برابر خدا و مردم مسؤول هستید. خدا کند که وظایف سترگ ملی و وطنی خویش را در راستای تصویب قانون اساسی به شکل شایسته ومطابق به نیارها وخواست همگانی ایفا نموده باشید. مبادا زرق و برق قدرت حاکم و هوای نفس موجب اغفال شما در مورد تصامیم مربوط به قانون اساسی جدید شود. احساسات سمتی لسانی، مذهبی وگروهی شما را از تحقق اهداف بزرگ نباید منحرف سازد.

از این رو از شما نمایندگان محترم صمیمانه آرزومندیم تا در مورد تصویب قانون اساسی آینده، افغانستان مسؤولانه تصمیم اتخاذ نمایید واعتماد ملت را چنان که شایسته است حفظ کنید.

احمد زی

سیدنی مورننگ هرالد - بیست و سوم دسمبر:

دموکراسیِ که بوی دیکتاتوری می دهد

مقالهٔ تحلیلی از دو استاد دانشگاه آسترالیا پیتر فون آنسلسن و وایان ارینگتن دانشمندان علوم سیاسی از دانشگاه نیوساوت ولز و دانشگاه ملی استرالیا هستند. آنها مشغول پژوهش بالای کتابی در مورد دموکراسی سازی برای شرکت انتشارات شرق- غرب هستند

افغانستان به دنبال سیستمی است که در همه جای دنیا ناکام مانده است .با توجه به سرنوشت صدام، مردم افغانستان در آستانه یک اشتباه جدی هستند .

لویه جرگهٔ کشور در حال انتخاب یک مودل ریاستی بر اساس طرز العمل های امریکایی است. اگر این سیستم انتخاب شود، یقینا ناکامی اجرائیه یی رئیس جمهوری ، بلکه بر اساس تفکیک قوا عمل می کند. خیلی آسان است که یک نهاد ریاست جمهوری قوی درست کرد، اما نمی توان به همان سرعت و سادگی شاخه های پارلمان و قوهٔ قضائیهٔ مستقل را ایجاد کرد تا ازسلطه رئیس جمهور بر سایر نهاد ها جلوگیری نمود .

رهبران کاریزماتیک یا ظالم، بطور اجتناب ناپذیری، خصلت شخصی دفتر رئیس جمهوری را برای تحکیم قدرت خود بکار می برند، آن هم با این بهانه که رهبری مقتدر برای غلبه کردن بر مشکلات ضرورت حیاتی است. در روسیه و بیلاروس، رئیس جمهور های مقتدر

بدون شک مشاوران دولت افغانستان بالای کرزی به حیث رئیس جمهور آیندهٔ افغانستان، اتکا می کنند. اما در مورد کسی که بعد از وی می آید چه؟ کرزی هوشدار داد که سیستم پارلمانی باعث مباحثات بی پایان سیاسی در کشور خواهد شد .

تمام دولت های کاری از موانعی شکایت دارند که باید از روی آنها خیز زد تا مخالفان در پارلمان، را غیر فعال کرد، محاکم و مردم را نیز سر جای خود نشاند .

مهمترین چیز برای دموکرات ها این است که بیاموزند انتخابات نوشداروی معجزه آسا نیست .بی صبری در روش های دموکراسی،

دموکراسی نوپای افغانستان را به دنبال خواهد داشت .

تنها چیزی را که در واقع دانشمندان علوم سیاسی با اطمینان می توانند بگویند، این است که سیستم ریاستی در عمل کارآیی ندارد. فقط یک مثال موفق سیستم ریاستی دموکراسی در جهان وجود دارد- که متاسفانه امریکا هست- و امریکا در موفقی است که می تواند مودل خود را بر سایر ملت ها تحمیل و یا تشویق کند .

هر جا و هر زمانی که مودل امریکایی صادر گردید، دموکراسی در اولین کوشش هایش ناکام مانده است. در امریکای لاتین، که شدیدا تحت تأثیر انقلاب امریکا قرار داشت، سیستم ریاستی به دیکتاتوری های نظامی استحاله پیدا نمود. در ناحیهء ما (حوزه اقیانوسیه) رئیس جمهور های دیکتاتور در کوریای جنوبی و فیلیپین ، قدرت را از پارلمان و قوهٔ قضاییه به زور گرفتند .

مشکل این است که اصول دموکراسی امریکایی نه در نهاد نهاد های تقنینیهٔ ضعیف را با این بهانه به حاشیه راندند که احزاب سیاسی رشوه گیر، فاسد و متفرق بوده، کارآیی لازم را ندارند.

حتی در خود امریکا قرار بود نهاد ریاست جمهوری یک ادارهٔ کمتر مسلط از آنچه که امروز هست، باشد. امریکایی ها باید به جای نظام ریاستی، اصل تفلیک قوا را به خارج صادر کنند .ساختن این نهاد های رقابتی با نهاد ریاستی، یک کار مشکل اما اساسی برای تحکیم دموکراسی است .

موفق ترین تلاش امریکایی ها برای برقراری رژیم های دموکراسی در آلمان و جاپان بوده است که هر دو نظام های پارلمانی دارند. دلیلی که مستعمرات انگلستان بعد ازاخذ استقلال، در ایجاد دموکراسی تا این حد موفق بوده اند، این است که یک عنعنه دوامدار عدلیه مستقل و پارلمان قوی در آن کشور ها وجود داشت. اما رابرت موگابه نشان داد که رهبران مصمم می توانند این نهاد ها را نیز به زیر سلطهٔ خود دربیاورند .

رای دهندگان درمانده را وادار می کند که به رهبران مقتدر رو بیاورند، اما سابقهٔ این مستبدان نشان داده است که در حل مشکلات کشور شان بسیار ناتوان بوده اند .

مودل سیاسی افغانستان نباید شبیه سیستم ریاستی امریکا باشد و نه هم شبیه سیستم پارلمانی انگلستان. در عوض، سیستم توزیع قدرت پارلمانی «اروپای کهن» بهترین مودل را برای دموکراسی های نوپا فراهم می کند. کشور های در هم شکسته یی مانند افغانستان و عراق نیاز دارند که تفاهم گستردهٔ ملی را از طریق توزیع قدرت در کابینه و شورا ها فراهم آورند .

بهترین روش اجرایی این مودل، از طریق یک سیستم نمایندگی متناسب می باشد. اما اروپای کهن در امور داخلی خود چنان مشغول است که نمی تواند در گسترش دموکراسی و صلح بر اساس قوانین بین المللی نقش بسیار موفقی داشته باشد.

سرپرست دادگاه نظامی گوانتانامو تعیین شد

دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، یک جنرال بازنشسته آمریکایی را به عنوان ناظر و سازماندهنده دادگاه رسیدگی به پرونده افراد بازداشت شده در اردوگاه گوانتانامو تعیین کرده است.



انتصاب جنرال جان النبورگ، افسر بازنشسته، ارتش آمریکا، با ماموریت نظارت بر روند محاکمات بازداشتیان گوانتانامو گامی مهم در راستای آغاز محاکمه افرادی تلقی می شود که به اتهام دست داشتن در آنچه که اقدامات تروریستی علیه آمریکا خوانده شده در پایگاه نیروی دریایی آمریکا واقع در گوانتانامو، در کوبا، در بازداشت به سر می برند.

بسیاری از بازداشتیان گوانتانامو در افغانستان دستگیر شده اند و آمریکا آنان را افراد رژیم سابق طالبان یا اعضای شبکه القاعده اعلام کرده است.

پایگاه گوانتانامو در جریان جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۱ به یک بازداشتگاه تبدیل شد و تاکنون علیه هیچ یک از زندانیان رسما ایراد اتهام نشده است.

دولت ایالات متحده با اطلاق عنوان "افراد مسلح غیر نظامی" به بازداشتیان گوانتانامو، این گروه را از امتیازات اسیران جنگی محروم کرده و در عین حال به آنان اجازه برخورداری از امکانات قضایی متهمین عادی بازداشتی در خاک آن کشور را نداده است.

مقامات آمریکایی اعلام کرده بودند که این بازداشتیان در محاکم نظامی محاکمه می شوند هرچند همواره بر منصفانه بودن این محاکمات تاکید داشته اند.

در مقابل، سازمان های مدافع حقوق بشر در آمریکا و سایر نقاط جهان از کندی روند رسیدگی حقوقی به پرونده زندانیان گوانتانامو و عدم دسترسی آنان به وکیل مدافع و سایر تسهیلات مرسوم در روند دادرسی قضایی به شدت انتقاد کرده اند.

گرچه به گفته مقامات آمریکایی، اکثر بازداشت شدگان با رژیم طالبان و شبکه القاعده ارتباط داشته اند، اما سلب حق دسترسی به وکیل مدافع و امکان پاسخگویی علنی به اتهامات تاکنون مانع از اظهار نظر افراد مستقل در مورد این اتهامات شده است.

وزارت دفاع آمریکا همچنین اسامی چندین نفر را اعلام کرده است که برای رسیدگی به تقاضای تجدید نظر در آرای دادگاه نظامی بازداشتیان گوانتانامو تعیین شده اند

آیا نمایندگان مورد تهدید قرار...

ممانعت نموده و حتی به او گفته بود که از مجلس خارج شود.

یک تن از این نمایندگان به گزارشگر «مجاهد» گفت این گونه تبلیغات در واقع یک جنگ روانی و تبلیغاتی است و ما از خواسته های مردمی خود هرگز بر نخواهیم گشت. همین منبع افزود که نمایندگان مردمگرا فقط همین شش تن نیستند و صدها نمایندهء دیگر نیز در کنار ایشان قرار دارند.

شایعهء توقیف این وکلا زمانی تکذیب گردید که حضور همهء آنان در هژدهمین روز لویه جرگهء تصویب قانون اساسی، مورد تأیید قرار گرفت